

چرا بچه‌ها از کتاب‌های درسی گریزان‌اند؟

کتاب‌های درسی بالقوه نقش بسیار مهمی در گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی و علاقه‌مند کردن بچه‌ها به مطالعه دارند اما آثاری که در حال حاضر در این حوزه تولید می‌شوند، توجه چندانی به مخاطب خود ندارند...



کتاب‌های درسی بالقوه نقش بسیار مهمی در گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی و علاقه‌مند کردن بچه‌ها به مطالعه دارند اما آثاری که در حال حاضر در این حوزه تولید می‌شوند، توجه چندانی به مخاطب خود ندارند و این در حالی است که به نظر می‌رسد نظام آموزشی ما نیز هنوز نتوانسته با روش‌های جدید آموزشی، ارتباط برقرار کند.

خبرگزاری مهر- گروه فرهنگ و ادب: کتاب‌های درسی، نخستین و جدی‌ترین کتاب‌هایی هستند که بسیاری از کودکان با آن سر و کار دارند. بنابراین این کتاب‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی و علاقه‌مند کردن بچه‌ها به مطالعه داشته باشند. کتاب‌هایی که لازم است هرچند سال یک بار، مورد بازبینی و ویرایش قرار بگیرند و با شرایط زمانه همگام شوند.

اما کتاب‌های درسی تا چه اندازه کودکان را به کتاب خواندن تشویق می‌کنند و چگونه می‌توانند به ترویج فرهنگ کتابخوانی بینجامند؟ این پرسشی است که خبرگزاری مهر در آستانه سال تحصیلی جدید با شاعران، نویسندگان و تصویرگران در میان گذاشته و نظرات آنان را جویا شده و در چند شماره منعکس کرده است.

جمال‌الدین اکرمی نویسنده حوزه کودک و نوجوان با اشاره به جلسه‌ای که در سال 1383 برگزار شده، گفته است: در این سال، جلساتی برگزار شد تا محتوا و تصاویر کتاب‌های درسی تغییر پیدا کند. تصویرگران بسیاری دعوت به کار شدند و تصاویر خوبی خلق شد اگرچه کیفیت چاپ، چندان خوب نبود و متن کتاب‌های درسی هم نتوانست پابه‌پای تصویر جلو بیاورد. اما آنچه در تدوین و تالیف کتاب‌های جدید مبنا قرار گرفت، کتاب‌های درسی فرانسه بود و هدف این‌که کتاب‌ها جنبه کاربردی پیدا کند. برای مثال وقتی بچه‌ها در کتاب فارسی به شعری از فردوسی می‌رسند تشویق شوند که شاهنامه بخوانند یا به خواندن یک غزل حافظ بسنده نکنند. همچنین روشی که در کتاب علوم مورد استفاده قرار گرفت، کمیک استریپ بود تا دانش‌آموز بتواند در قالب شکل‌ها و طرح‌های مختلف، با چگونه به دنیا آمدن بچه، تولد پروانه، چرخه غذایی و ... آشنا شود. اما واقعیت ماجرا این‌که ما با روش‌های نوین آموزش آشنا نیستیم و تا روش آموزش تغییر نکند، بهبود چندانی در نظام آموزشی کشور حاصل نمی‌شود.

مصطفی رحماندوست شاعر و نویسنده حوزه کودک و نوجوان، اما معتقد است اگر کتاب‌های درسی، شادتر و شیرین‌تر باشند، دانش‌آموزان را بهتر و بیشتر جذب می‌کنند و «کتاب شیرین» از دیدگاه او، کتابی است که بچه‌ها آن را در تنهایی خود بخوانند. بی‌اینکه معلم از آنها بخواهد، شعرهایش را به‌خاطر جذاب و ریتمیک بودن حفظ کنند و قصه‌هایش را برای خواهر یا برادر خود تعریف کنند.

رحماندوست معتقد است بچه‌ها قصه را دوست دارند و یکی از روش‌های آموزش در دنیا، قصه‌گویی است؛ «چه اشکالی دارد معلم، قصه‌گویی بدانند و در کتاب‌های درسی، قصه‌هایی شیرین و خواندنی گفته شود؟ چه اشکالی دارد اگر در تهیه و تدوین کتاب‌های درسی به جغرافیای هر منطقه و فرهنگ و زبان آن توجه شود؟»

شاعر مجموعه «ترانه‌های نیایش» با اشاره به اینکه جغرافیا تاثیر خود را بر روحیه و نوع انتخاب آدم‌ها می‌گذارد، گفت: من تخصصی در زمینه تالیف کتاب‌های درسی ندارم، من تجربیات خود را که در زمینه کار با بچه‌ها و شناخت نسبی آنهاست، دارم. ممکن است قصه‌ای را بچه‌های شیراز دوست داشته باشند اما همان را کودکان ماکو نپسندند. دوزبانه بودن هم تاثیرات خاص خود را می‌گذارد. پس خوب است ما برای بچه‌های کرد یا لر و بلوچ، کتاب‌هایی به زبان و گویش آنها داشته باشیم.

رحماندوست در پاسخ به این سوال که آیا معتقد به تمرکززدایی از نظام آموزشی و کتاب‌های درسی است؟ گفت: من موافق هستم که همه بچه‌ها باید با واژگان پایه آشنا شوند بنابراین کتاب‌های درسی باید به صورت متمرکز و یکسان منتشر شوند اما در کنار این کتاب‌ها باید کتاب‌های دیگری هم به زبان و گویش مردم هر منطقه منتشر شود که هماهنگ با فرهنگ و جغرافیا و آداب و رسوم مردم هر منطقه باشد.

تالیف کتاب‌های درسی براساس سلايق فردی است

حسن ذوالفقاری، مولف کتاب‌های درسی، یکی دیگر از کسانی بود که خبرگزاری مهر در پرونده «کتاب‌های درسی و ترویج کتابخوانی» به گفتگو با او نشست. این عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به این‌که هر دانش‌آموز به طور متوسط، 2000 صفحه کتاب می‌خواند گفت: این مساله، رسالت مولفان کتاب‌های درسی را سنگین‌تر می‌کند؛ چون باید مطالب کتاب به گونه‌ای باشد که در درجه نخست، تفکر منطقی را به کودکان آموزش دهد. به این معنی که آنچه می‌خواهد بگوید را ابتدا در ذهن خود مرور کند و از پراکنده‌گویی بپرهیزد و مهارت شنیدن را فراگیرد و تفکر منطقی را تنها با درس فلسفه و منطق نمی‌توان به بچه‌ها آموزش داد. از همان ابتدا با ورزش و انشا و ادبیات می‌توان دانش‌آموزان را با چنین تفکری آشنا کرد و سبک زندگی را به آنها آموزش داد.

ذوالفقاری، هدف از آموزش را تربیت شهروند خوب دانست و افزود: هدف از آموزش، تربیت نخبه و دانشمند نیست ما در درجه

اول می‌خواهیم اصول شهروندی را به بچه‌ها یاد و شهروندان خوبی پرورش دهیم، حالا تعدادی از این شهروندان خوب هم به نخبگان کشور تبدیل می‌شوند.

گردآورنده «فرهنگ جامع ضراب‌المثل‌های فارسی» به این‌که یکی دیگر از وظایف مولفان کتاب‌های درسی، درست نویسی است اشاره و بیان کرد: من و همکارانم در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به بررسی کتاب‌های درسی پرداخته و به 8000 واژه بیگانه برخوردیم. پس ما چگونه می‌توانیم مروج زبان فارسی باشیم؟ از سوی دیگر خود مولفان، اصول درست نویسی را نمی‌دانند و نه تنها نمی‌توانند درست نوشتن را به دانش‌آموزان یاد دهند که پدر و مادرهایی که، خواه ناخواه با کتاب‌های درسی در ارتباط‌اند نیز با زبان و نوشتاری آشنا می‌شوند که اشتباه است.

ذوالفقاری با اشاره به این‌که من 15 سال در وزارت آموزش و پرورش و مولف کتاب‌های درسی بوده‌ام و می‌دانم به خاطر حاکم بودن برخی سلیق شخصی، مطالب درجه دو و سه در کتاب‌ها گنجانده شد، اشاره کرد و افزود: نگاه صد در صد ارزشی و سلیقی فردی موجب شد و می‌شود که شاهکارهای ادبی در کتاب‌های درسی گنجانده نشوند و آثار درجه دوم و سوم به کتاب‌ها راه پیدا کنند در صورتی که اگر تنگ نظری‌ها را نادیده بگیریم و ارزش‌گذاری نکنیم و با یک سری اهداف از پیش تعیین شده ه سراغ کتاب‌های درسی نرویم هم شاعران و نویسندگان طراز اول، رغبت می‌کنند آثار خود را در اختیار ما بگذارند هم دانش‌آموزان دلشان می‌خواهد کتاب بخوانند. چرا که کتاب درسی خوب، کتابی است که اگر پشت ویتترین کتاب‌فروشی‌ها گذاشته شود، بچه‌ها با میل و رغبت آن را بخرند و جلد کنند و با اشتیاق بخوانند

محمدرضا شمس، نویسنده کودک و نوجوان هم معتقد است: خوب است که کتاب‌های درسی از پند و اندرز دست بردارند و لذت کتاب خواندن را به بچه‌ها بچشانند. همه درس‌ها را می‌توان با قصه به بچه‌ها آموزش داد. یکی از ناشران، مجموعه‌ای را با عنوان «علوم ترسناک» ترجمه و منتشر کرده بود تا بچه‌ها بتوانند آزمایش‌های درس علوم را به روشی عجیب و غریب در خانه آموزش دهند. مخاطبان با این مجموعه خیلی خوب ارتباط برقرار کردند چون قواعد خشک را در هم می‌شکست و هماهنگ با خواسته و نیاز آنها بود.

نویسنده کتاب «خواب و پسرک» معتقد است یکی از راه‌های علاقه‌مند کردن بچه‌ها به کتاب توجه به کتاب‌های درسی است. تعداد شاعران و نویسندگانی خوب کود و نوجوان کم نیست. پس خوب است که مولفان کتاب‌های درسی بدون تنگ‌نظری و اعمال سلیقه، بهترین‌ها را انتخاب و در کتاب‌ها بیاورند.

شمس، طنز را یکی از راه‌های جذب دانش‌آموزان دانست و افزود: امروز بچه‌ها بیش از خواندن مطالب جدی از خواندن داستان‌های طنزآمیز لذت می‌برند. انگار دوست دارند شوخی و شادی، دستمایه آثاری باشد که برای آنها نوشته می‌شود و نه تنها نویسندگان که مولفان کتاب‌های درسی باید به این مساله توجه کنند.

فانتزی موجب جذابیت کتاب‌های درسی می‌شود

تنها متن کتاب درسی نیست که دانش‌آموزان را به کتاب خواندن تشویق می‌کند؛ تصویر خوب هم بر جذابیت این‌گونه کتاب‌ها تاثیر می‌گذارد. تا آنجا که سحر حقهو معتقد است: ترکیب‌بندی‌های خوب موجب بالارفتن سلیقه بصری بچه‌ها می‌شود. کسی که از کودکی با تصاویر خوب آشنا شده، در بزرگسالی در برابر بی‌نظمی واکنش نشان می‌دهد چراکه با نظم، ترکیب‌بندی به‌سامان و تصویر خوب خو گرفته است و همین مساله ما را با اهمیت تصویرگری در کتاب‌های درسی، بیش از پیش آشنا می‌کند

لیدا معتمد، تصویرگر هم از جمله تصویرگرانی بود که به روز شدن کتاب‌های درسی را ضروری دانست و افزود: زمانی، تعداد روستاییان بیش از شهرنشینان بود، از این‌رو درس‌هایی چون «حسنک کجایی، کوکب خانم، چوپان دروغگو» و شعرهایی چون «خوشا به حالت ای روستایی» در کتاب‌ها گنجانده می‌شد اما امروز بسیاری از مردم ما نه تنها شهرنشین که آپارتمان‌نشین هستند و با فضاهای روستایی ارتباط چندانی ندارند پس نمی‌توان با آنها از فضاها و شرایطی سخن گفت که با آن بیگانه‌اند.

معتمد از جمله تصویرگرانی است که از یک سو فانتزی را بسیار دوست دارد و از طرف دیگر فکر می‌کند کتاب‌های درسی باید از منطق خاصی پیروی کنند؛ به باور او متن و تصویر ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند و تصویرگر هم می‌تواند متنی تازه و با زبانی متفاوت برای خود بیافریند. به این معنی که نویسندگانی کلمه‌ها استفاده می‌کند و منظور خود را می‌رساند اما تصویرگر از رنگ و تخیل خود بهره می‌برد و موازی با نوشته حرکت می‌کند. بنابراین در کتاب‌های درسی هم می‌توان ناگفتنی‌های متن را تصویر کرد و به تخیل خود، امکان ظهور و بروز داد. البته از منطق حاکم بر ریاضی یا علوم هم نمی‌توان غافل شد. مثلاً برای تصویرکردن شعر و کتاب فارسی می‌توان از تصاویر فانتزی استفاده کرد اما برای آموزش علوم و ریاضی بهتر است کمتر به تصاویر فانتزی پناه برد.

این تصویرگر کودک و نوجوان در پاسخ به این‌که خیال‌پردازی موجب بروز و رشد خلاقیت در انسان می‌شود. چه اشکالی دارد که حتی در کتاب‌های درسی هم از تصاویر تخیلی استفاده کرد، گفت: کتاب‌های درسی، در اختیار همه بچه‌ها، کتابخوان و غیرکتابخوان قرار می‌گیرند و جدی‌ترین کتاب‌هایی هستند که کودکان با آن سروکار دارند. قطعاً اگر این کتاب‌ها از فضایی رنگی و فانتزی بهره ببرند، بچه‌ها را به مطالعه علاقه‌مند می‌کنند و ذوق بصری آنها را بالا می‌برند. چه اشکالی دارد بچه‌ها تصاویری ببینند که میزان درک تصویری آنها را بالا می‌برد و بر خلاقیت آنها می‌افزاید؟ ممکن است بعضی بگویند بچه‌های ما باین تصاویر نا آشنا هستند... چه اشکالی دارد آشنا می‌شوند؟

حمیدرضا اکرم تصویرگر کتاب‌های کودک و نوجوان که به تصویرگری کتاب‌های پایه چهارم برای کودکان پرداخته نیز چون لیدا

معتمد به خلق تصاویر فانتزی برای دانش‌آموزان علاقه دارد. به گفته او کسی که دنیای فانتزی را درک کرده، خیلی راحت‌تر و صمیمی‌تر کار می‌کند و به خود حقیقی‌اش نزدیک‌تر است اما آن که با دنیای فانتزی فاصله دارد ناچار می‌شود، کار دیگران را تقلید کند و با احساس ناب خود بیگانه است.

اکرم در پاسخ به این‌که نه تنها موضوعات مختلف کتاب‌های درسی که همه متن‌های داستانی نیز، تخیلی و فانتزی نیستند و باید ارتباطی بین متن و تصویر وجود داشته باشد، گفت: حتی برای داستان‌های کاملاً واقع‌گرایانه نیز می‌توان تصاویری تخیلی خلق کرد چراکه هر تصویرگری، دنیای خاص خود را دارد و انگار بچه‌ها به خوبی متوجه می‌شوند کدام تصویرگر با دلش برای آنها تصویرگری می‌کند

نظام آموزشی ما بیمار است

کتاب‌های درسی تنها یک حلقه از نظام آموزشی ما را تشکیل می‌دهند. سیستم و روش آموزشی ما مسشاله مهمی است که باید به آن پرداخته شود. به گفته محمدرضا شمس، به گفته محمدرضا شمس، نظام آموزشی ما خشک و غیرقال انعطاف است و بچه‌ها را جذب نمی‌کند. وگرنه تاریخ و جغرافیا و علوم تجربی و فلسفه و دشوارترین مباحث را از طریق قصه می‌توان به بچه‌ها آموزش داد و این روش، بسیار موثرتر است. البته آموزش به کودکان، وظیفه ادبیات نیست اما قصه، یک شیوه خوب آموزشی است و کتاب‌های درسی می‌توانند پر از شعر و داستان باشند تا بچه‌ها را به خواندن علاقه‌مند کنند. اصلاً چه اشکالی دارد اگر کسی لباس ستارخان بپوشد و با بچه‌ها از این شخصیت تاریخی بگوید؟ مگر معلمان ما نمی‌توانند از این قالب برای انتقال بهتر مطلب درسی بهره ببرند؟

محمدرضا شمس نویسنده حوزه کودک و نوجوان با اشاره به این‌که نه تنها کتاب‌ها که معلمان آموزش و پرورش هم به‌روز نشده‌اند. چند درصد از معلمان ما قصه‌گویی می‌دانند و با قصه‌ها آشنا هستند؟ اصلاً سیستم آموزش و پرورش تا چه اندازه کارآمد و هماهنگ با سیستم روز آموزشی است؟ کتاب‌های درسی هر چند سال یک‌بار ویرایش و بازنویسی می‌شوند؟

جمال‌الدین اکرمی نیز با اشاره به این‌که اتفاق اصلی در خارج از کتاب درسی رخ می‌دهد گفت: در همه جای دنیا، سیستم آموزشی تغییر کرده؛ دیگر معلم یک طرف و دانش‌آموز سمت دیگر نیست. این فرآیند دوسویه است چون معلم هم از شاگردان خود، چیزهای تازه یاد می‌گیرد.

به گفته اکرمی اگر زنگی به کتاب اختصاص پیدا کند و هر مدرسه‌ای یک کتابخانه و یک کتابدار داشته باشد که با ذهن و زبان بچه‌ها آشناست و می‌داند آنها چه کتاب‌هایی را دوست دارند می‌توان به تغییر سیستم آموزش و محتوای کتاب‌های درسی امیدوار بود.

علیرضا گلدوزیان، تصویرگر برگزیده نمایشگاه بولونیا (معتبرترین نمایشگاه تصویرسازی کتاب کودک) است. او تصویرگری را بخشی از یک محصول فرهنگی به نام کتاب دانست و افزود: واقعیت ماجرا این است که نظام آموزشی ما بیمار و منفعل است؛ حال آن‌که در یک سیستم سالم و پویا، دانش‌آموزان استعدادیابی می‌شوند و برای هرکس به اندازه توان و استعداد و گرایش‌هایش، برنامه‌ریزی می‌شود. یعنی گروهی از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و برنامه‌ریزان آموزشی هستند که بچه‌ها را دسته‌بندی می‌کنند و برای هر گروه به تدوین یک شیوه آموزشی خاص می‌پردازند.

به گفته تصویرگر کتاب «مداد سیاه مداد قرمز»، هیچ خلاقیتی در کتاب‌های ما -چه درسی و چه غیردرسی- وجود ندارد. بچه‌ها از خواندن کتاب درسی‌شان، لذت نمی‌برند حال آن‌که این گونه کتاب‌ها، مهم‌ترین و جدی‌ترین کتاب‌هایی است که در اختیار بسیاری از آنها قرار می‌گیرد. سیستم آموزشی غلط است و در این سیستم، جایگاهی برای مخاطب تعریف نشده؛ پس چگونه می‌توان انتظار داشت بچه‌ها کتابی را دوست داشته باشند که برای آنها نوشته نشده و بدون توجه به مخاطب تولید شده است؟! اصلاً وقتی این همه کتاب کمک آموزشی وجود دارد یعنی نقصی در این نظام و در کتاب‌های درسی هست که مخاطبان به مکمل پناه می‌برند.

گلدوزیان با اشاره به این‌که نظام آموزشی ما آدم‌ها را تک بعدی پرورش می‌دهد گفت: در کشور ما همه جزیره‌ای رفتار می‌کنند. یعنی نویسندگان، نقاشان، معماران، پزشکان و... جزایر پراکنده‌ای را تشکیل می‌دهند و معمولاً ارتباطی بین این جزایر وجود ندارد و شاید ریشه این مساله را بتوان در نظام آموزشی کشور جستجو کرد که آدم‌هایی تک بعدی پرورش می‌دهد.

ترویج کتابخوانی با کتاب درسی ممکن نیست

هر چند نویسندگان و تصویرگرانی که خبرگزاری مهر به گفتگو با آنان پرداخته بود به نقش و تاثیر این کتاب‌ها بر ترویج فرهنگ کتابخوانی باور داشتند اما محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی خلاف این افراد فکر می‌کند. به گفته او کتاب‌های درسی نمی‌توانند نقش چندانی در ترویج کتابخوانی تقشی داشته باشند اشاره و بیان کرد: کتاب‌های درسی، مهارت خواندن را به بچه‌ها یاد می‌دهند و اشتیاق به مطالعه باید جای دیگری اتفاق بیفتد. به عبارتی، آموزش خواندن با کتاب درسی و لذت خواندن برعهده کتاب‌های غیردرسی است.

محمد ناصری داستان‌نویس و مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با اشاره به این‌که آموزش غیرمستقیم، موثرتر از آموزش مستقیم است گفت: امروز، مدرسه می‌تواند به وسعت دنیا باشد به این معنی که آموزش در بسیاری از کشورهای دنیا به طور غیرمستقیم اتفاق می‌افتد. مربیان و معلمان ما می‌توانند با روش‌های امروزی آموزش چون نمایش و قصه آشنا شوند و از آن بهره ببرند.

وی به هدف از شکل‌گیری دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، اشاره و بیان کرد: سال 1341، این دفتر شکل گرفت تا با انتشار

مجلات «پیک» که پس از انقلاب به «رشد» تغییر نام داد به ترویج مطالعه کمک و کودکان را به خواندن لذت بخش و دلخواه، تشویق کند. چون سیستم آموزش رسمی، به خاطر الزامی که در آن وجود دارد، نمی تواند برای بچه ها لذت بخش باشد اما نشریات و کتاب های داستانی می توانند شیرینی کتاب خواندن را به بچه ها بچشانند.

ناصری با اشاره به «روز بدون کیف» در برخی استان ها گفت: استان همدان از پنج سال پیش تاکنون، یک روز را به عنوان «روز بدون کیف» اعلام کرده اند که در آن روز بچه ها با درس و کتاب درسی سروکار ندارند. مجلات رشد را میخوانند و و بازی می کنند و قصه می گویند و قصه می شنوند.

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به این که 10 سال پیش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی به نمایندگی از وزارت آموزش و پرورش، بر آن شد تا ساماندهی کتاب های کمک آموزشی را برعهده بگیرد، اشاره و بیان کرد: همکاران ما در آموزش و پرورش برای این که بتوانند برنامه های درسی را به خوبی پوشش دهند، باید از اجزا و کتاب های دیگر هم بهره ببرند. برای مثال، دشواری هایی در توضیح مفاهیم ریاضی یا در درس علوم و جغرافیا وجود دارد. چه اشکالی دارد ما کتاب هایی را به بچه ها معرفی کنیم که این دشواری ها را برای آنها آسان می کند یا دانش آموزان بسیاری هستند که دلشان می خواهد سعدی را بهتر و بیشتر بشناسند. ما می توانیم کتاب هایی را در اختیار بچه ها بگذاریم که این نیاز را برآورده کند.

ناصری، حرکت از کتاب به سمت بسته کمک آموزشی را سیاست وزارت آموزش و پرورش دانست و افزود: ما لوح های فشرده ای را آماده کرده ایم تا بحث شنیداری بچه ها تقویت شود. تلاش می کنیم تا در کنار کتاب های درسی، یک فیلم کمک آموزشی هم وجود داشته باشد. چون فیلم می تواند قالب تاثیرگذارتری باشد. کتاب درسی، کتاب و فیلم آموزشی مناسب، نرم افزار چندرسانه ای، راهنمای معلم، نقشه و... در بسته آموزشی می گنجد. این روش، شیوه بهتری برای جذب دانش آموزان به کتاب خواندن است.

.....

گزارش از زهره نیلی